

حافظ



دوماه نامه **ره نما**
نشریه علمی_فرهنگی

اردیبهشت ۱۴۰۲

شماره ۱۰

روزه داری متناوب



سرزمین مقدس و رویای یهود

نقد نظریه شق القمر

شرح دعای ابو حمزه ثمالی



در صفحات ۱ و ۲ میخوانیم

دلنوشته

اسلام از نگاه شریعتی

در صفحات ۳ و ۵ میخوانیم

روزه داری متناوب

سرزمین مقدس و رویای یهود

در صفحات ۶ و ۱۰ میخوانیم

نقد نظریه شمس القمر

شرح دعای ابوحمزه ثمالی

در صفحات ۱۳ و ۱۴ میخوانیم

می خواهند چه تصویری داشته باشیم

معرفی کتاب

برگ پایانی

قال أمير المؤمنين علي بن ابي طالب (عليه السلام):

عَمِرَتِ الْبِلَادَ بِحَبِّ الْأَوْطَانِ.

شهرها به حب و دوستی وطن آباداند.

دلنوشته

بسم رب شهر رمضان، ربی که نازل کرد در این ماه قرآن، الهی که قرار دهد ما را در این ماه یاری گر پدرمان، صاحب الزمان.

خداوند را شاکرم که باری دیگر توفیق نفس کشیدن در این ماه را روزی ام کرد، آن هم در جوار امام خوبی ها، انتهای دار و ندار ما!

خداوند! شاکرم تو را برای تجربه بار دیگری از شنیدن دعای سحر، برای تجربه بار دیگری عزاداری برای از دست دادن بهترین پدر، برای تجربه بار دیگری شب قدر. راستی؛ شب قدر! شبی که «تنزل الملئکة و الروح فیها یاذن ربهم من کل امر». فرشتگان و «روح» در آن شب برای تقدیر هر امری نازل می شوند تا همه امور حکمت آمیز فیصله بیابد. در این «یوم الفرقان» دل به هواداری تو بستم ای خدای رحیم؛ آن شب هنگامی که:

«فیها یفرق کل امر حکیم»

میزبان ما در این ماه، تو هستی. تو خدای مهربانی که مرا آفریدی؛ خودت مرا هدایت کردی، مرا اطعام کردی و تشنگی ام را برطرف نمودی، در بیماری مرا شفا دادی، مرا می میرانی و سپس زنده می کنی، اما؛ از همه خوبتر آنجا که من، بنده ی حقیر تو از بندگی ات سر باز زدم و طمع تو، به غفران خطاهایم بیشتر است...

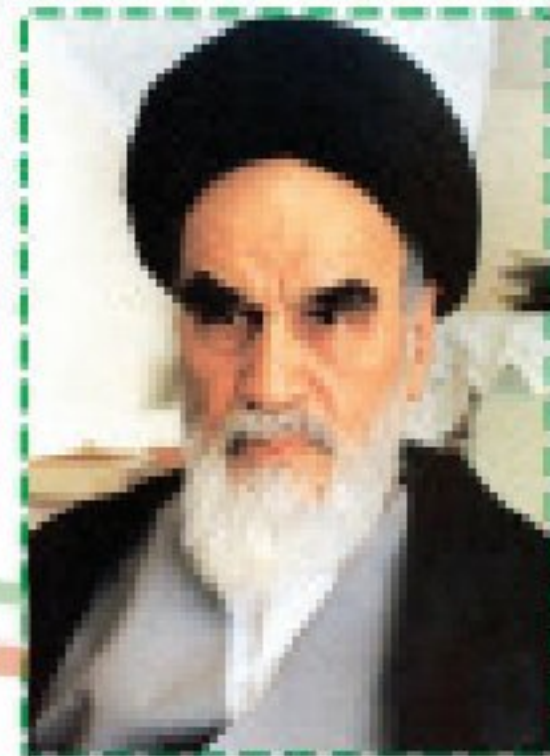
روز های ماه مبارک رمضان هم گذشت. مولای من! دل کندن خیلی سخت است، خیلی! «وَقَدْ أَقَامَ فِینَا هَذَا الشَّهْرُ مُقَامَ حَمْدٍ» به تحقیق این ماه در بین ما، در مرتبه و محلی ستوده زیست، «وَصَحِبْنَا صُحْبَةً مَبْرُورٍ» و با ما مصاحبت کرد؛ مصاحبتی پسندیده و نیکو، «وَأَرْبَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِینَ» و ما را به برترین بهره های جهانیان، سودمند کرد؛ او می رود و ما از دوری اش دل تنگ می شویم، و یک سال انتظار خواهیم کشید! «ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ، وَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ، وَ وَقَاءِ عَدَدِهِ» سپس هنگام پایان یافتن وقتش و به سر رسیدن مدتش و کامل شدن روزهایش، از ما جدا شد...

و ما با کسی که وداع با او برای مان سخت و غم انگیز است؛ وداع می کنیم!



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
هر کس به روشنی در می یابد که به هنگام روزه داشتن، نور و صفای تازه ای در دل احساس می کند، خود را به نیکی ها نزدیکتر، و از زشتی ها و بدی ها دورتر می بیند
وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ

«فحشاء و منکرات» مجموعه ی افعال غیراخلاقی است، و می دانیم تمام افعال غیر اخلاقی سرچشمه ای از صفات ضد ارزشی در درون جان انسان دارد؛ و به تعبیر دیگر، همیشه اخلاق درونی است که در اخلاق برونی اثر می گذارد. تأثیر نماز در باز داشتن از فحشاء و منکر نیز درست به همین دلیل است؛ زیرا نماز با افعال و اذکار بسیار پرمحتوایش، انسان را در جهانی برتر و والاتر (جهان قرب به خدا) وارد می کند؛ و این نزدیکی او را از سرچشمه های اصلی فحشاء و منکر که همان هوای نفس و حب افراطی به دنیا است دور می سازد.



از نظر حضرت امام(س) عید فطر بعد از یک ماه روزه داری جشن میهمانی و عید برای ضیافت الهی و وصال است و جشن پیروزی بر هوای نفس و شیطان و موفقیت بر انجام دستورالهی است. حضرت امام(س) می فرمایند: «عید شریف فطر عید است برای ضیافه الله، و عید شریف قربان عید است برای لقاء الله و آن عید که ضیافه الله است، مقدمه است برای لقاء الله.»

صحیفه امام، ج ۱۸، ص: ۱۱۸



عید سعید فطر روز رحمت است، روز مغفرت است، روز اجر و پاداش است برای مؤمنین، برای نیکوکاران، برای کسانی که برای خدا و در راه خدا عملی انجام دادند و حرکتی کردند و دل‌های خود را به خدای رحیم و غفور نزدیک کردند. خدا را شکر میکنیم که یک بار دیگر، یک ماه رمضان دیگر و یک عید فطر دیگر را نصیب ما کرد؛ باید این نعمت الهی را قدر بدانیم.

دین داری در نگاه علامه شهید مطهری

از قدیم‌ترین ایام، پرستش خدای یگانه وجود داشته است و این را دیرینه‌شناسی نیز ثابت کرده است. آیا دین مولود جهل است؟ دین مولود جهل نیست، اگر این جور است، باید همین قدر که مردم عالم شدند، دین خود به خود مسخ شود. یعنی در بین طبقات علما، نباید دین‌داری وجود داشته باشد. دین جان دارد. یعنی فطری است. فطرت بشر را نمی‌توان کشت. طبق منطق دین و اسلام، توحید قبل از شرک وجود داشته؛ یعنی شرک منحرف‌شده توحید است. این همان چیزی است که با حساب‌های مادی جور در نمی‌آید. تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.

انسان خود حقیقی‌اش را در عبادت و در توجه به ذات حق پیدا می‌کند و می‌یابد. قرآن می‌فرماید: «غایت خلقت انسان و موجود دیگری که آن را جن می‌نامد، عبادت است (الذاریات / ۵۶). «انسان آفریده شده است که خدا را پرستش کند و پرستش خدا، خود هدف است. از نظر قرآن انبیا آمده‌اند برای اینکه بشر را به سعادت خودش که غایت سعادت از نظر آن‌ها پرستش خداوند است، برسانند.

بخش‌هایی از کتاب جهان بینی توحیدی اثر شهید مطهری

حدیث نبوی

هر که دانش را برای خدا بیاموزد، به هیچ بابی از آن نرسد مگر این که بیش از پیش، خود را حقیرتر بیند، با مردم افتاده‌تر شود، ترسش از خدا بیشتر گردد و در دین کوشاتر شود. چنین کسی از علم بهره‌مند می‌شود. پس، باید آن را بیاموزد. اما کسی که دانش را برای دنیا و منزلت یافتن نزد مردم و موقعیت یافتن نزد سلطان و حاکم فرا گیرد، به هیچ بابی از آن نرسد مگر این که خود بزرگ بین‌تر شود و بر مردم بیشتر بزرگی فروشد و از خدا بیشتر غافل شود و از دین بیشتر فاصله گیرد. چنین کسی از دانش سود نمی‌برد؛ بنابراین، باید (از تحصیل دانش) خودداری ورزد و علیه خود حجت و پشیمانی و رسوایی در روز قیامت فراهم نیآورد.

روضه الواعظین: ۱۶ منتخب میزان الحکمه: ۴۰۰



روزه داری متناوب : یک الگوی تغذیه‌ای سالم برای قلب ؟

ترجمه شده توسط زهرا قزل سفلو

خلاصه مقاله :

الگوهای رژیم غذایی مشابه رژیم غذایی دش (DASH) [۱] و رژیم مدیترانه‌ای، بهبود سلامت قلب را اثبات کرده‌اند. روزه‌داری پی‌پی یکی از انواع الگوهای رژیمی محبوب می‌باشد که بر مبنای دوره‌های زمان بندی شده در روزه است. دونه‌پرهیز غذایی روزه، روزه‌داری یک روز در میان و غذا خوردن با زمان محدود می‌باشد. هر چند کار آزمایشی تصادفی کنترل شده‌ی جامعی وجود ندارد که رابطه‌ی میان روزه‌داری متناوب و پیامدهای قلبی-عروقی را بررسی نماید، با این حال، آخرین اطلاعات موجود از مطالعات انسانی اظهار دارد این نوع رژیم می‌تواند خطرات بیماری‌های قلبی-عروقی با تغییر در کنترل وزن، فشار خون، دیس لیپیدمی (Dyslipidemia) [۲] و انواع دیابت را کاهش دهد. امکان دارد روزه‌داری متناوب تأثیراتش را از طریق مسیرهای گوناگون، شامل کاهش استرس اکسیداتیو (Oxidative stress) [۳]، بهینه‌سازی چرخه بیولوژیکی و کتوزن می‌باشد. این تحقیق دانش موجود مربوط به فواید بالقوه‌ای که روزه‌داری متناوب برای قلب و عروق دارد را ارزیابی می‌کند و دستورالعمل‌هایی را برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌دهد.

معرفی مقاله :

اگرچه نرخ‌های مرگ و میر (حاصل از بیماری‌های قلبی-عروقی افزایش یافته و کاهش در (شمار مرگ و میر) اخیراً متوقف گشته است، در میانگین سنی ۳۵ تا ۶۴ سال در میان زنان و مردان در آمریکا، از افزایش شمار مرگ و میر ناشی از (بیماری‌های قلبی-عروقی خبر می‌دهند. چاقی همراه با رژیم غذایی نامناسب از عوامل مهم و قابل تغییر در افزایش بیماری‌های قلبی-عروقی با خطر قابل انتساب ۱۳ درصدی که منجر به مرگ و میر ناشی از مشکلات مذکور می‌باشد. چندین مداخله غذایی نشان داده است خطر ابتلاء به بیماری مذکور را بهبود می‌بخشد از جمله؛ کاهش کالری مصرفی، که شامل محدود کردن کالری‌های مصرف شده در حین یک دوره معین می‌باشد. کاهش کالری مصرفی یا محدودیت در مصرف آن، با تغییر وزن، فشار خون، مقاومت به انسولین (حساسیت به انسولین) در انسان مرتبط می‌باشد. روزه‌داری متناوب یک مداخله غذایی شبیه به کاهش (مصرف) کالری است، زیرا از اصل محدود کردن دریافت غذا استفاده می‌کند. به هر حال این عمل بر زمانی که فرد وعده‌های غذایی را در یک روز یا یک هفته مصرف می‌کند متمرکز است. دو نوع فراگیر از روزه‌داری متناوب، یک روز در میان روزه گرفتن و روزه با محدودیت زمانی می‌باشد. در مدل اول امکان این را می‌دهد به طور متناوب (در مدت زمان مشخص) ۲۴ ساعت مشخص ناشتا بودن (روزه داشتن) و در ادامه آن ۲۴ ساعت تغذیه نمودن، می‌توان چندین مرتبه در طی هفته مانند برنامه ۵:۲ به این صورت که دو روز روزه‌داری و ۵ روز از خوردن و آشامیدن منع نمی‌باشد. در نوع دوم، ۱۶ ساعت روزه‌داری با ۸ ساعت زمان برای تغذیه، یا ۲۰ ساعت روزه‌داری همراه ۴ ساعت زمان تغذیه و یا دیگر شکل‌های مشابه را شامل می‌شود. با وجود اینکه امکان دارد کاهش مصرف کالری و روزه گرفتن پی‌پی در نهایت نتیجه‌ی کاهش (میزان) کالری دریافتی بدهد، این امر جزء لاینفک روزه‌داری پی‌پی نمی‌باشد. این نوع روزه‌داری با کنترل بهتر گلوکز هم در انسان و هم در حیوانات مرتبط است. با این وجود، پایداری طولانی مدت به کاهش مصرف کالری (امید به نتیجه دلخواه) کم است، در حالی که پایداری به روزه‌داری می‌تواند امیدوار کننده‌تر باشد.

با توجه به شباهت رژیم‌های مذکور، این موضوع قابل باورتر است که روزه‌داری پی‌پی، می‌تواند فواید قلبی-عروقی نیز داشته باشد. این الگوی غذایی همچنین اثبات کرده است فواید بالقوه‌ای را در کاهش پیشرفت‌های بیماری‌های زوال عصبی (Neurodegeneration) [۴] مانند آلزایمر و بیماری‌های پارکینسون دارد. در این مقاله ما مزایای بالقوه‌ی روزه‌داری متناوب در بهبود سلامت قلب و عروق توضیح می‌دهیم.

در ادامه‌ی این مقاله بخش‌هایی شامل نحوه عملکرد (سازوکار)، چاقی مفرط، تاثیر روزه‌داری متناوب و طول عمر، روزه‌داری در مقابل (مصرف) کاهش کالری، روش‌ها و محدودیت‌های روبه‌رو و... بررسی می‌شود. که در این نمونه ترجمه دو مورد از موضوعات را در ادامه برای مخاطبان آماده گردیده.

سازو کار

سازو کارهای پیشنهادی بسیاری موجود است برای چگونگی اینکه روزه‌داری متناوب در نهایت منجر به بهبود (عملکرد) قلبی-عروقی می‌شود.

فرضیه استرس اکسیداتیو (Oxidative stress) گفته می‌شود (روزه) تخریب اکسیداسیونی را کاهش می‌دهد. فرضیه دوم، چرخه بیولوژیکی (circadian rhythm) [۵] بیشتر با روزه متناوب مرتبط است تا با محدودیت در مصرف کالری (کاهش مصرف کالری) که نشان‌دهنده‌ی سازو کار منحصر به فرد عمل مذکور است. فرضیه‌ی سوم در بردارنده این موضوع است که روزه منجر به یک وضعیت کتوزیک (ketogenic) [۶] می‌شود.

چاقی مفرط

تحقیق بر روی مردانی که اضافه وزن داشتند و دچار دیابت نوع ۲ بودند، نشان داد این افراد با رعایت دو مورد تجربه کاهش وزن داشتند؛ کاهش کالری مصرفی و روزه‌های متناوب، افراد با گرفتن روزه‌های پیاپی ۱.۱٪ از چربی بدن‌شان را از دست داده و به معنای دیگر ۶.۵٪ در طول ۱۲ هفته کاهش وزن داشتند. یافته‌هایی از این دست در زنانی که دوره پیش از یائسگی را می‌گذرانند و اضافه وزن داشتند، در طول ۶ ماه با روزه‌های پیاپی و محدودیت در مصرف کالری، بدست آمده‌است.

* پی نوشت:

۱. DASH: رژیم غذایی دش یک برنامه غذایی برای کاهش و یا کنترل فشارخون بالاست. این رژیم بر غذاهای کم سدیم، غذاهای غنی از پتاسیم، منیزیم و کلسیم تاکید دارد.
۲. Dyslipidemia: اختلال چربی‌های خون به معنای هرگونه اختلال در سطح سرمی چربی‌ها شامل افزایش (کلسترول تام یا کلسترول بد و یا تری گلیسیرید) و یا کاهش کلسترول خوب خارج از محدوده طبیعی است.
۳. Oxidative stress: بازتاب دهنده‌ی عدم تعادل میان تظاهرات سیستماتیک «گونه‌های فعال (واکنش پذیر) اکسیژن» و توانایی یک سیستم زیستی در خنثی سازی و مهار میانجی‌های سمی آن یا ترمیم آسیب‌های وارده است.
۴. Neurodegeneration: از دست رفتن ساختار یا عملکرد یاخته‌های عصبی یا مرگشان (نابودیشان) است.
۵. circadian rhythm: چرخه تقریباً ۲۴ ساعته در فرایندهای زیست شیمیایی، فیزیولوژیکی، یا رفتاری جانداران زنده، شامل گیاهان، جانوران، قارچ‌ها و سیانو باکتری‌ها است.
۶. Ketogenic: رژیم غذایی کتوزیک یا کتون‌زا یا رژیم پرچربی یک گونه رژیم غذایی است با چربی زیاد، اندازه کافی پروتئین و قند اندک، که بدن را وادار می‌کند تا به جای قند، از چربی برای تامین انرژی استفاده کند. از این رژیم برای درمان صرع‌های مقاوم به درمان در کودکان استفاده می‌شود.

مجله پزشکی آمریکا / جلد ۱۳۳ / شماره ۸

صفحات ۹۰۱ تا ۹۰۷ / اگوست ۲۰۲۰



سرزمین مقدس و رؤیای یهود

.....
دکتر محسن رجبی قدسی؛ حانیه اسمعیلی

براساس متون دینی یهودی، قوم یهود برگزیده خداوند است؛ چرا که خداوند به بنی اسرائیل وعده حکومت از نیل تا فرات را داده است، این آموزه تفسیر کلام خداوند به حضرت ابراهیم بوده است که فرمود: «به اخلاف تو، این سرزمین از رود مصر تا شط بزرگ را به تو عطا میکنم.» قوم بنی اسرائیل خود را فرزندان یعقوب (ع) می‌پندارند و طبق متن عهد عتیق، اسرائیل لقبی است که خدا به یعقوب (ع) داده است و قبل از او هیچ کسی چنین لقب و اسمی نداشته است. اما در بیان قرآن، اسرائیل لقب یعقوب (ع) نیست، بلکه اسرائیل نام یکی از یاران و مؤمنان به حضرت نوح(ع) که در کشتی نیز همراه وی بوده است:

«وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا... وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا... وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا. أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا (مریم، ۵۱-۵۸)

«وَأَتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلاً / ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» (اسراء، ۲-۳)

اسرائیل = مَمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

بنی اسرائیل = ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

بنابراین، بنی اسرائیل فرزندان یعقوب (ع) نیستند و وعده داده شده به ابراهیم (ع) در عهد عتیق نیز نادرست است. فرزندان یعقوب (ع) در قرآن با عنوان «آل یعقوب» یاد شده‌اند (یوسف، ۶؛ مریم، ۶).

این سؤالات قابل طرح است که آیا اسرائیل پس از طوفان زمان حضرت نوح (ع)، در کنعان (فلسطین) ساکن بوده است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، فرزندان او در چه دوره‌ای به مصر کوچیده‌اند؟ آیا می‌توان گفت که منطقه دعوت حضرت نوح (ع) در مصر بوده است و اسرائیل از ابتدا در مصر می‌زیده است؟ آیا اسرائیل به مصر رفته و خاندان او در آنجا شکل گرفته‌اند؟ آیا می‌توان پاسخ این پرسش‌ها را از قرآن و تاریخ دریافت؟

به هر روی، در بیان قرآن، حضرت موسی (ع) قوم بنی اسرائیل را از بردگی و بندگی فرعون در مصر نجات داد و آنان را به ارض مقدس برد: «وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ» ﴿۷۷﴾ «فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ... يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ» ﴿۸۰﴾ «فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَهُمْ مِّنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ جَمِيعًا» ﴿۱۰۳﴾ «وَقُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا» ﴿۱۰۴﴾

«وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغِيًّا وَعَدُوًّا ... وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ ...» ﴿۹۳﴾

«وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ ... يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمَقْدَسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» ﴿۲۱﴾ «قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ» ﴿۲۲﴾ «قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ﴿۲۳﴾ «قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ» ﴿۲۴﴾ «قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» ﴿۲۵﴾ «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» ﴿۲۶﴾

آیا ورود بنی اسرائیل به سرزمین مقدس در زمان حضرت موسی (ع) به معنای ورود آنان به سرزمین آباء و اجدادی آنهاست؟ آیا با ورود بنی اسرائیل، ساکنان آن زمان ارض مقدس دیگر حق حیات و زندگی نداشته‌اند؟ تعامل بنی اسرائیل با ساکنان ارض مقدس چگونه بوده است؟



نقد نظریه شق القمر

.....
زینب رضائی

یکی از معجزاتی که برای اثبات نبوت به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده می‌شود، ماجرای بزرگ شق القمر و دو نیم شدن ماه در تاریخ ۱۴م ماه ذی‌الحجه و پیش از هجرت برمی‌گردد. مشهور داستان شق القمر بدین شرح می‌باشد که مشرکان نزد رسول خدا آمدند و گفتند: اگر راست می‌گویی و تو پیامبر خدایی، ماه را برای ما دو پاره کن! فرمود: اگر این کار را انجام دهم ایمان می‌آورید؟ عرض کردند آری - و آن شب، شب چهاردهم ماه بود - پیامبر از پیشگاه پروردگار تقاضا کرد، آن چه را خواسته اند به او بدهد، ناگهان ماه به دو پاره شد و رسول الله آن‌ها را یک یک صدا می‌زد و می‌فرمود: ببینید. بدین ترتیب در سال پنجم، قبل از هجرت، خداوند متعال چنین معجزه‌ای را به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جاری می‌کند. که ماه به دو نیم تبدیل شده، مردم آن را می‌بینند. سپس دوباره به حالت اول برمی‌گردد، هر چند مشرکین، طبق عادت شان، این معجزه را انکار کردند که این عمل (معجزه)، سحر می‌باشد. به دنبال این معجزه، آیات ابتدایی سوره قمر نازل می‌شود: «اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ. وَ اِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» قیامت نزدیک شد و ماه بشکافت. و اگر معجزه‌ای ببینند، روی بگردانند و گویند: سحری دائمی است.

اما آیا واقعه شق القمر به راستی اتفاق افتاده است یا این نظر مشهور نیز مانند بسیاری از مشهورات موجود خرافی و ساخته و پرداخته ذهن می‌باشد؟ وقوع این امر یا مستند به آیات قرآن می‌باشد، یا مستند بر روایات. در ادامه به بررسی این موضوع در قرآن و روایات و نقد آنها پرداخته شده است.

۱. آیات قرآن با دلالت و رد نظریه شق القمر:

مهم‌ترین و شاید تنها دلیل قرآنی بر وقوع این اتفاق، آیه ابتدایی سوره قمر «اقتربت الساعة و انشق القمر» می‌باشد. اما آیا اگر دلالت این آیه را بر این نظریه بپذیریم با سایر آیات قرآن هم‌خوانی دارد؟ در آیه ۱۱۸م سوره بقره تجربه امت‌های پیشین با معجزات حسی یادآوری شده و در تعدادی از آیات به بی‌نیازی پیامبر به اینگونه معجزات پرداخته شده است.

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةً كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَبَهتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (بقره، ۱۱۸)

و کسانی که نادان و ناآگاهند، گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید، یا نشانه و معجزه‌ای برای خود ما نمی‌آید؟ گذشتگان آنان نیز مانند گفته ایشان را گفتند؛ دل‌هایشان شبیه هم است تحقیقاً ما نشانه‌ها را برای اهل باور بیان کرده ایم

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (هود، ۱۲)

ممکن است به سبب آنکه می‌گویند: چرا گنجی بر او نازل نشده، یا فرشته‌ای همراهش نیامده؟ برخی از آنچه را به تو وحی می‌شود ترک کنی و سینه‌ات تنگ شود تو فقط بیم دهنده‌ای و خدا بر هر چیز نگهبان است.

هم‌چنین در آیه ۵۹ سوره اسراء نیز به نفی معجزه اقتراحى پرداخته است:

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ وَءَاتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (اسراء، ۵۹)

و هیچ چیز، ما را از فرستادن معجزات باز نداشت جز اینکه پیشینیان، آن معجزات را تکذیب کردند و به قوم ثمود ناقه دادیم که معجزه ای روشن بود، ولی به آن ستم کردند و ما معجزات را جز برای هشدار دادن به مردم نمی فرستیم. فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوْتِيَ مِثْلَ مَا أُوْتِيَ مُوسَىٰ أُولَٰئِكَ يَكْفُرُوا بِمَا أُوْتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرُونَ (قصص، ۴۸)

پس هنگامی که حق از سوی ما برای آنان آمد گفتند: چرا مانند آنچه به موسی دادند به او نداده اند؟ آیا پیش از این به آنچه به موسی داده شد، کفر نورزیدند؟! گفتند: دو جادویند که پشتیبان یکدیگرند! و گفتند: ما منکر هر دو هستیم!

آیات فوق از عدم اجابت درخواست مشرکان بر آوردن معجزه حسی دارد و با روایات مبنی بر معجزه شق القمر ناسازگاری دارد.

۲. روایان شیعه و سنی روایات با دلالت بر شق القمر:

آنچه از منابع شیعه و سنی بر می آید؛ گزارش شق القمر در مجموعه‌ای از منابع تاریخی و روایی حضور پیدا کرده در قالب روایتی از صحابه و اهل بیت در سبب نزول آیه ابتدایی سوره مبارکه قمر جا گرفته است. روایات اهل سنت

مجموعه روایات شق القمر در منابع روایی اهل سنت از شش نفر نقل شده است.

(الف) انس بن مالک:

۱. این روایات به شکل‌های مختلف و با الفاظی متفاوت رسیده است.

۲. محتوای این روایات که بعضی از آنها در قالب سبب نزول است، مکان شق القمر مکه و دو نیمه ماه عمودی است به طوری که کوه میان آن دو است.

نقد: انس بن مالک از متولدین مدینه است و در زمان شق القمر در مکه حضور نداشته است. هم‌چنین انس مشاهده‌گر نبوده بلکه ناقل این روایات است. برخی روایات بر دوبر شق القمر اشاره میکند و برخی به دو نیم شدن ماه.

(ب) جبیر بن مطعم:

۱. روایات جبیر نیز به اشکال گوناگون رسیده است.

۲. برخی از موارد تنها یکبار آورده شده و برخی با سند متفاوت و یا تلفیقی نقل شده است.

محتوای روایات: شق القمر در زمان پیامبر(ص) در مکه اتفاق افتاده و هر نیمه ماه بر روی کوهی بوده است و نیز نسبت سحر به پیامبر داده شده است.

نقد: روایت شق القمر توسط او در هیچ یک از روایات نیامده است. هم‌چنین عدم هماهنگی از نظر مکان واقعه، همراهان پیامبر و عدم ذکر یکسان ادامه روایت در تفاسیر مشاهده می‌شود.

ج) حذیفه بن یمان:

۱. در مورد حذیفه نیز سه روایت موجود است که عدم هم‌شکل بودن نقل مشاهده می‌شود.

۲. محتوای روایات: در این روایات با اشاره به آیه ابتدایی سوره قمر از آمادگی برای پشت سر گذاشتن دنیا و ورود به قیامت سخن رفته است.

نقد: حذیفه بن الیمان العیسی از انصار معرفی شده است و او شاهد شق القمر نمی‌تواند باشد.
(د) ابن عباس:

۱. این روایات با چند سند متفاوت و واژگانی گوناگون نقل شده است.

۲. در برخی از روایات نام مشرکانی که درخواست شق القمر داشتند آورده شده اما در برخی به چشم نمی‌خورد.

۳. محتوای روایات: هشت نفر از مشرکان که نامشان آمده است درخواست معجزه کردند. ولی در روایت دیگر درخواست کننده گان یهودیان معرفی شده اند. شکل معجزه به چند صورت مختلف آمده است و نیز معجزه از عصر تا شب طول کشیده است.

نقد: ابن عباس سه سال پیش از هجرت به دنیا آمده و نمی‌تواند شاهد دونیم شدن ماه پیش از هجرت باشد. ناسازگاری محتوایی روایات هم به چشم می‌آید به طوری که در جایی درخواست کنندگان معجزه مشرکان و در جایی یهودی اند.

(ه) ابن عمر:

۱. فقط دو روایت از ابن عمر نقل شده است.

۲. محتوای دو روایت: شق القمر در زمان پیامبر (ص) اتفاق افتاد. شکل این معجزه دو نیمه ماه به صورت افقی و پشت سر یکدیگر نیمی پایین کوه و نیمی دیگر پشت کوه قرار گرفت.

نقد: سن عبدالله بن عمر در زمان شق القمر ۵ سال برآورد می‌شود. به نظر می‌رسد او هم نقل کننده و راوی است نه مشاهده‌گر.

(و) ابن مسعود:

۱. برخی از احادیث در منابع قدیمی یافت نمی‌شود و اختلاف محتوا به چشم می‌خورد.

۲. تفاوت در سند حدیث نیز مشاهده می‌شود.

۳. محتوای روایات: راوی زمان رخداد شق القمر در مکه با پیامبر (ص) بوده است ولی برابر روایت دیگر در زمان این رخداد در منی همراه پیامبر (ص) بوده و نیمی از ماه را بر فراز کوهی که در منا است، مشاهده کرده است در روایات دیگر قرار گرفتن دو نیمه ماه از جهت شکل و مکان متفاوت است.

نقد: او در دو روایت خود را مشاهده‌گر معرفی می‌کند در حالی که در باقی روایات به چشم نمی‌خورد. تناقضات بسیاری در مکان قرارگیری ماه و زمان این رخداد مشاهده می‌شود.

روایات شیعه

در متون روایی و تفسیر شیعه دو روایت در مورد شق القمر وجود دارد.

۱. روایت اول تنها در امالی شیخ طوسی ذکر شده است. محتوای این روایت از دونیم شدن ماه در مکه و درخوات پیامبر (ص) برای شهادت دو نیم شدن ماه خبر می‌دهد.

۲. روایت دیگر در تفسیر قمی ذکر شده که مابقی منابع از همین کتاب نقل می‌کنند. محتوای این روایت: در شب چهاردهم ذی الحجه چهارده نفر از پیامبر (ص) درخواست معجزه شق القمر کردند سپس کافران خواهان پیوند دو نیمه ماه شدند پیامبر (ص) خواست آنان را اجابت کرد. دوباره کافران خواهان جدا شدن قسمت بالای ماه شدند و پیامبر

(ص) این خواسته را نیز اجابت کرد. پس از این کافران ایمان خویش را منوط به تأیید مسافران شام و یمن کردند. نقد: هر دو روایت دارای افراد مجهول و ضعیف می‌باشد. دو روایت از نظر تعداد وقوع شق القمر و نحوه‌ی آن اختلاف دارند.

نتیجه:

رخداد شق القمر در زمان پیامبر نه مستند قرآنی دارد و مستند روایی مستند قرآنی آن نیز به دو نیم شدن ماه نتیجه نمی‌دهد و تفاسیر دیگری نیز موجود است و فقط این نظر مشهور مطرح نشده‌است. پیامبر(ص) برای اثبات نبوت خود سندی به جز قرآن نیاورده و نیازی هم به آوردن معجزات حسی نداشته‌است. معجزه ایشان کلام و منطق ایشان بوده و بارها در برابر درخواست اینگونه معجزات امتناع کرده‌است.

*منابع:

قرآن کریم

شق القمر در ترازو(بهرامی، محمد)

نقد و بررسی ادله شق القمر در تفاسیر فریقین(ایازی، سید محمدعلی)



دعای ابوحمزه ثمالی

دعای ابوحمزه ثمالی از منظر آیت الله مکارم شیرازی

ابوالفضل صدیقی

دعا و مناجات یکی از بهترین وسیله‌های ارتباط معنوی با خداوند و کسب صفای باطن و تهذیب نفس است. اگر دعا کننده بداند چه کسی را می خواند و در برابر چه بزرگی به راز و نیاز مشغول است و چه مفاهیم بلندی در دعاهای معروف آمده است، چنان سرمست از باده مناجات می شود که هیچ لذتی را در عالم با آن برابر نمی یابد ۱. بنابراین ما باید به دعا اهمیت دهیم، و برای حل مشکلات و معضلات خود و دیگران دعا کنیم. مخصوصاً در شبها و روزهایی که دعا ارزش ویژه ای دارد و تأکید بیشتری نسبت به آن شده، مانند روزها و شبهای ماه مبارک رمضان ۲. دعاهایی که از طریق خاندان عصمت علیهم السلام رسیده است به قدری از نظر محتوا و مضمون، عالی و بلند است که خود دلیل بر صحت سند آنهاست و انسان به وضوح درمی یابد که چنین کلمات و ذکرهایی، جز از وجود مقدس آنان نمی تواند صادر شود و دیگران را توان ایجاد این مضامین بلند نیست ۳. در این بین دعای ابوحمزه ثمالی که در سحرگاهان ماه رمضان خوانده می شود، از مضامین و محتوای بسیار بلندی برخوردار است و اگر کسی اندکی آمادگی روحی داشته باشد و با توجه این دعا را بخواند، به یقین در عمق وجودش نورانیت خاصی وارد می شود و در دل و جانش انقلابی ایجاد می کند ۴. دعای ابوحمزه ثمالی علاوه بر آن که یک دوره درس خدانشناسی را در بر دارد، راه و رسم بندگی و طریق انابه و توبه و بازگشت به پروردگار را به ما می آموزد ۵.

علت نامگذاری دعای ابوحمزه ثمالی

سبب نامگذاری این دعا به «ابوحمزه ثمالی» به خاطر آن است که راوی این دعا از امام زین العابدین علیه السلام، ابوحمزه ثمالی است ۶. ابوحمزه ثمالی که نامش «ثابت بن دینار» است، از یاران مورد اعتماد امامان بزرگوار علیهم السلام بوده است، بنا بر نقل عالم معروف علم رجال «نجاشی»، وی به محضر چهار تن از ائمه، از امام سجّاد تا امام کاظم علیهم السلام رسیده و از آنان روایت کرده است

ابوحمزه ثمالی می گوید: امام زین العابدین علیه السلام در طول شبهای ماه رمضان بیشتر شب را به نماز می ایستاد و چون هنگام سحر فرا می رسید، این دعا را می خواند.

بررسی سند و شرح دعای ابوحمزه ثمالی

دعای ابوحمزه ثمالی را شیخ طوسی ۷، سید بن طاووس ۸ و مرحوم علامه مجلسی ۹ نقل کرده اند؛
إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ

درفراز آغازین دعای ابوحمزه ثمالی آمده است: «إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ (ای معبود من، مرا با مجازاتت ادب مکن) «ادب» (بر وزن طلب) به معنای دعوت کردن دیگری به نیکی‌ها و ترک زشتی‌هاست و تأدیب نیز همین معنا را می‌رساند. این کار وظیفه تمام انبیاء و اولیاء و معلمان و پیشوایان و پدران و مادران است که پیروان و شاگردان و فرزندان خود را به نیکی‌ها دعوت کنند و از بدی بازدارند. بلکه قبل از همه، ادب کردن کار خداست که گاه از طریق فرستادن پیامبران و نازل کردن کتب آسمانی، انسان‌ها را ادب می کند و گاه از طریق آزمون‌های تکوینی و مجازات‌های مادی و معنوی ۱۰. «عقوبت» از ماده «عقب» نیز به معنای «کیفر کار خلاف» آمده است.

حال فراز آغازین دعای ابوحمزه ثمالی

(الهی لا تُؤدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ) ناظر بر حلیم بودن خداوند است که اشاره به مساله آمرزش گناهان، و عدم تعجیل در عقوبت بندگان است.

لذا خداوند در مورد عدم تعجیل عقوبت می فرماید: «وَرَبِّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ؛ و پروردگارت آمرزنده و دارای رحمت است؛ اگر می خواست آنان را به سبب اعمالشان مجازات کند عذاب را هر چه زودتر برای آنها می فرستاد ۱۱، ۱۲.»

البته در این میان تنها راه نجات از خصومت پروردگار و عقوبت او این است که دست از ظلم بکشیم و از گذشته توبه کنیم و حقوق از دست رفته را به صاحبانش باز گردانیم و جبران نماییم ۱۳.

مگر خدا هم خدعه می کند؟!

«وَلَا تَمْكُرْ بِي فِي حِيلَتِكَ؛ و مرا به تدبیر خویش دچار نکن

«مکر» در لغت عرب با آنچه در فارسی امروز از آن می فهمیم تفاوت بسیار دارد «در فارسی امروز» مکر به نقشه‌های شیطانی و زیان بخش گفته می شود، در حالی که در لغت عرب هر نوع چاره‌اندیشی را «مکر» می گویند که گاهی خوب و گاهی زیان آور است ۱۴. «مکر» در اصل، به معنای تابیدن و پیچیدن و چاره‌اندیشیدن و منصرف ساختن دیگری است و به همین دلیل، به هر کار انحرافی که توأم با اخفاء و پنهان کاری باشد نیز گفته شده است و اختصاص به نقشه‌های زیان بخش که در فارسی امروز در آن استعمال می شود ندارد، بنابراین، هم در چاره‌اندیشی های بد به کار می رود و هم چاره اندیشی های خوب، و در آنجا که به خدا نسبت داده می شود، معنای دوم آن مراد است ۱۵. بنابراین، هنگامی که این واژه در مورد خداوند به کار می رود به معنای خنثی کردن توطئه‌های زیانبار است.

ولی طرح فراز «الهی لا تُؤدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ» نشان می دهد مگری که منظور شده، از مکرهایی است که به واسطه خدعه و اعمال بد انسان حاصل می شود لذا تداوم این دعا با «وَلَا تَمْكُرْ بِي فِي حِيلَتِكَ» اشاره به همان کیفرها و بلاهای ناگهانی و بیچاره کننده‌ای است که در قالب «مکر الهی» خداوند، مجرمان، با نقشه‌های قاطع و شکست ناپذیر خداوند؛ به جزای مکر خود و اعمال بدشان می رسند ۱۶.

توکل به خدا راه نجات انسان

از هم اکنون باید به فکر چاره بود زیرا وقتی درهای نجات بر روی ما بسته شود راه چاره‌ای برای ما باقی نخواهد ماند ۱۷. از این رو امام سجاد(علیه السلام) در ادامه دعا می فرماید: «مَنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ، وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ، وَمِنْ أَيْنَ لِي النَّجَاةُ، وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ؛ از کجا خیری بیابم، ای پروردگار من، در حالی که جز در پیشگاه تو یافت نشود، و از کجا راه نجاتی یابم، در حالی که جز با کمک تو میسر نمی شود ۱۸» تأمل در این فرازها نشان می دهد که همه چیز از ناحیه خداست ۱۹. و حتی کوچکترین خیر و شری بدون اراده و قدرت او ممکن نیست. لیکن این تعبیرات امام سجاد(علیه السلام) اشاره به توحید افعالی خدا است، یعنی همه چیز منتهی به ذات پاک او می شود، منتها خداوند به انسان اختیار و آزادی اراده داده و برای آزمایش او اسباب خیر و شرّ و خوبی و بدی را در اختیارش نهاده، و این خود انسان‌ها هستند که سرانجام تصمیم نهائی را می گیرند از کدامین راه بروند و با کدامین برنامه خود را تطبیق دهند مسلماً آنها که راه ایمان و عمل صالح را بر می گزینند، خداوند انواع خیرات را بر دست آنها صادر می کند. و از اینجا تفسیر آیاتی که می فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ انسان هر کار خوب و بدی را کند روز قیامت در برابر خود حاضر می بیند که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است؛ و او خود (نیز) بر این گواه است ۲۰» روشن می گردد.

لذا تنها باید بر او توکل کرد و به مضمون آیه شریفه «وَأَنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ أَنْ يُرِدَكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۲۱»

هرگاه خداوند (برای آزمایش یا کیفر گناه) زبانی به تو رساند، هیچ کس جز او، آن را برطرف نمی‌سازد و اگر اراده خیری برای تو کند، هیچ کس نمی‌تواند مانع فضل او شود، به هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند، هر خیری را) می‌رساند و او آمرزنده مهربان است. در صورت تحقق این مهم، انسان به حقیقت «توکل» نزدیک می‌شود و خداوند او را در زمره متوکلان حقیقی قرار می‌دهد.

بر این اساس نتیجه روشن توکل بر خدا؛ نجات و پیروزی است همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ۚ ۲۲

هر کس بر خدا توکل کند خدا کار او را به سامان می‌برد، خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند، و برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده‌است»

در واقع خداوند وعده‌ی قطعی به همه متوکلان داده که مشکلات آنها را حل کند. البته باید دانست مفهوم صحیح توکل در فرهنگ اسلام این است که انسان تا آنجا که در توان دارد، کوشش و محکم کاری کند و آنجا که از توان او بیرون است بر خداوند و لطف او تکیه کند و هرگز یأس و نومیدی به خود راه ندهد.

* پی نوشت:

۱. کلیات مفاتیح نوین؛ ص ۶۱.
۲. سوگندهای پر بار قرآن؛ ص ۴۹۳.
۳. همان.
۴. همان؛ ص.
۵. همان؛ ص ۷۱۶.
۶. همان.
۷. مصباح المتهجد؛ ص ۵۸۲.
۸. اقبال؛ ص ۶۷.
۹. بحار الانوار؛ ج ۹۵؛ ص ۸۲.
۱۰. پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج ۱۵؛ ص ۳۳۶.
۱۱. سوره کهف؛ آیه ۵۸.
۱۲. پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج ۹؛ ص ۵۸۷.
۱۳. همان؛ ج ۱۰؛ ص ۳۹۶.
۱۴. لغات در تفسیر نمونه؛ ص ۵۴۸.
۱۵. همان.
۱۶. برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۲؛ ص ۷۳.
۱۷. پیام امام امیر المومنین علیه السلام؛ ج ۱۱؛ ص ۲۸۸.
۱۸. کلیات مفاتیح نوین؛ ص ۷۱۷.
۱۹. اخلاق در قرآن؛ ج ۲؛ ص ۲۷۵.
۲۰. سوره زلزال؛ آیات ۶-۷.
۲۱. سوره یونس؛ آیه ۱۰۷.
۲۲. سوره طلاق؛ آیه ۳.

ما خواهند چه تصوری داشته باشیم از ...

محدثه نیکبختی



گاهی تاثیری که یک ماجرای واقعی بر ذهن انسان می‌گذارد خیلی بیشتر از تاثیر یک داستان تخیلی است. شاید به همین خاطر صنعت فیلم‌سازی علاقه‌ی بسیاری به قصه‌ی پیامبران دارد و خود را متعهد می‌داند که حتی به اندازه یک تصویر، گوشه‌ای از زندگی آنها را در قاب دوربین‌های خود بگنجانند. اما چرا پیامبران؟! (احتمالا به خاطر تعلقات مذهبی و عقاید دینی!) معمولا کودکان داستان پیامبران را از زبان پدر و مادرشان می‌شنوند، اما اگر آنها را از درون آنچه بزرگان صنعت فیلم و پویانمایی می‌سازند، ببینند و بشنوند چه تفاوتی خواهد داشت؟ و چه اتفاقی خواهد افتاد؟ از آنجایی که انسان در میان حواس پنجگانه به بینایی خود وابسته‌تر است پس این داستان‌ها در ذهن او متصورتر و همزاد پندارانه‌تر نمود پیدا خواهند کرد.

ولی بیایید برای یک لحظه تصور کنیم کارگردان و تهیه‌کننده یک پویانمایی از روی بی‌دقتی و یا در بدترین حالت از روی دشمنی، چهره‌ی ای زشت و غیر قابل‌پذیرش از یک پیامبر را در اثر خود به نمایش درآورده باشند در این صورت هرگاه داستان آن شخصیت بزرگ را برای کودکان تعریف کنید او در مخیله‌ی خود همان چهره‌ی را تصور می‌کند که در قاب اثر آن کارگردان دیده است.

حضرت موسی علیه‌السلام یکی از پیامبرانی هستند که در میان سینمای کودک و نوجوان هالیوود از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. به گونه‌ای که جدای از پویانمایی‌های مخصوص این پیامبر بزرگوار پویانمایی‌هایی هم هستند که به طور غیرمستقیم گوشه‌ای از زندگی ایشان را به تصویر کشیده‌اند.

یکی از این برنامه‌ها در کمال ناباوری پویانمایی پاندای کنگ‌فوکار ۲ است.

شاید برایتان غیر قابل‌پذیرش باشد اما بیایید مروری بر زندگی حضرت موسی علیه‌السلام داشته باشیم:

(پس از باخبر شدن فرعون از پیشگویی کاهنان درباره اینکه روزی پسری از بنی‌اسرائیل تاج و تخت او را به زیر خواهد کشید. او دستور می‌دهد تمام پسران این قوم را که پس از این به دنیا می‌آیند بکشند. در این زمان مادر حضرت موسی که نگران جان فرزندش بود او را در سبده‌ی می‌گذارد و او را در دریا رها می‌کند. حضرت در کاخ فرعون بزرگ میشوند و سرانجام در دریای سرخ فرعون غرق میشود و حضرت موسی علیه‌السلام و قوم ایشان نجات میابند.) حالا شاید حقیقت ماجرا برایتان ملموس‌تر باشد.

زمانی که در قسمت دوم پویانمایی پاندای کنگ‌فوکار، طاووس پس از پیشگویی بز مبنی بر اینکه شخصی به رنگ سیاه و سفید سلطنت او را نابود خواهد کرد؛ باخبر می‌شود، به دهکده پانداها حمله می‌کند. مادر پو، فرزندش را برمی‌دارد و فرار میکند و در آخر او را در سبده‌ی می‌گذارد تا از گزند قاتلش در امان باشد و سال‌ها پس از بزرگ شدن پو، سرانجام در دریا، طاووس توسط پو از بین می‌رود. اما چرا سینمای کودک و نوجوان هالیوود به دنبال به تصویر کشیدن چنین شکلی از یک پیامبر است؟ چرا ماجرای شکافته شدن دریا به دست حضرت موسی را توسط دو شخصیت کودکانه‌ی کایان شیر (در مجموعه تلویزیونی نگهبانان شیردل فصل ۳ قسمت ۶ بدون سانسور) و باک راسو (در پویانمایی سینمایی عصریخندان ۵ هنگام رد شدن گروه از رودخانه) به تصویر کشیده و چرا تلاش می‌کند هربار از زیر قید و بند احترام به پیامبران رها تر شود؟

اصلا تصورات ما از یک پیامبر چه سودی می‌تواند برای صاحبان رسانه داشته باشد که حاضر است به خاطر آن هزینه‌های بیشتری را در ساخت فیلم متحمل شود؟

آیا هدفی غیر از این دارند که بتوانند آنگونه که خود می‌خواهند «پیامبران و دیگران را معرفی کنند»؟

معجزه تولید (معرفی کتاب)

محدثه نیکبختی



کتاب معجزه تولید

مروری بر نقش حمایت از تولید داخلی در تعیین سرنوشت اقتصادی کشورهای جهان

به قلم سید محمدحسین راجی

بریده هایی از کتاب:

موج صنعتی شدن اروپا که منجر به افزایش تولیدات صنعتی شد، در ایران قاجار، ورود و بروزی نداشت و چرخه‌ی تولید در ایران به مرور از توان رقابت با صنعت اروپا که منجر به تولید انبوه و ارزان می‌شد، بازماند. اگر چه در برهه‌ای از تاریخ صنایع تولیدی ایران از جمله صنعت نساجی، از نظر کیفیت محصولات در سطح بالاتری نسبت به محصولات خارجی قرار داشتند، اما واردات اجناس ارزان قیمت صنعتی هر چند با کیفیت پایین‌تر، به عنوان خطری جدی برای آینده‌ی تولید داخل به حساب می‌آمد. در این بین عامل مهمی که از صنعت داخلی در برابر هجوم واردات حفاظت کرده و به آن فرصت پیشرفت و کسب توان رقابت می‌داد، تعرفه‌های وضع شده بر اجناس خارجی بود.

پس از تحمیل و انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای با روسیه و عهدنامه تجاری با انگلیس، تعرفه‌های گمرکی ایران با اجبار عوامل خارجی به زیر ۵ درصد کاهش یافت
سیل کالاهای خارجی روانه ایران شد و صنایع داخلی ما را فلج کرد



در بخش‌هایی از وصیت نامه دانشجوی شهید «عباس حصیبی» چنین آمده است:

«بنام او که خالق یکتا و منتهی الآمال عارفان است. اوست که تنها قابل پرستش و حمد است. بنام محمد رسول(ص) رسول رسولان، سید بندگان و بنام علی(ع) این انسان کامل و به نام فاطمه(س) و بنام دوازده امام(ع)، این انسانهای برگزیده.

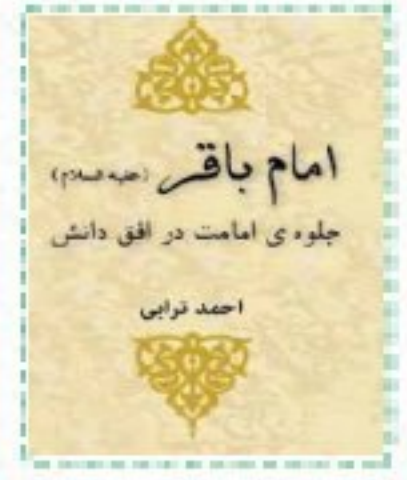
سخنی با دانشگاه:

پایگاه سازنده انقلاب که بعد از جنگ، مهم‌ترین مسأله انقلاب است. از دانشجویان می‌خواهم علاوه بر درس خواندن به مسائل جامعه و خودشان بی تفاوت نباشند و این مسائل را کمتر از درسشان نگیرند. و بدانید که دردهای جامعه و افراد را استاد مطهری بیان نموده، سخنان ایشان را به گوش جان بسپارید.

سخنی با حزب الله:

جامعه ما، انقلاب فرهنگی را هر لحظه و دقیقه باید در خود داشته باشد و لازمه اش تک تک افراد هستند و باید این گفته رسول الله(ص) را همیشه در ذهن داشته باشیم «انی ما اخاف علی امتی الفقر و لکن اخاف علیهم سوء التدبیر».

گفتگویی



این کتاب به صورت تحقیقی و سندی معتبر در پنج فصل تنظیم گشته است. از لحاظ تحقیقی بودن و ارجاع‌ها به سندهای گوناگون از معدود کتاب‌هایی در این موضوع است که به فارسی به نگارش درآمده است. در فصل اول آن که اجمالی از ولادت تا شهادت آن حضرت آمده است. در فصل دوم به زندگانی علمی آن حضرت پرداخته و امام باقر علیه السلام را در تدبیر اهل تشیع و اهل تسنن بررسی کرده سپس شاگردان آن حضرت را معرفی میکند. در فصل سوم مشی سیاسی آن حضرت را در زمان خلفای معاصر و قیام‌هایی را که در آن مقطع تاریخی به وقوع پیوسته و مواضع ایشان در مقابل آنها را بیان می‌کند. فصل چهارم به زندگی اجتماعی ایشان و مرجعیت و پاسخ‌گویی به پرسش‌های مردم، را مورد بررسی قرار میدهد و در فصل پنجم با توجه به برخی از سخنان امام باقر علیه السلام، پیام‌ها و حکمت‌هایی را برای خواننده به ارمغان می‌آورد.

* صاحب امتیاز:

انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد

* مدیر مسئول:

محمدعلی کیهانی

* سردبیر: محمد استیری

* هیئت تحریریه:

زینب رضائی (جانشین سردبیر)

حانیه اسمعیلی

ابوالفضل صدیقی

محدثه نیکبختی

معصومه ابراهیمی مقدم

زهرا قزل سفلو

* صفحه آراء:

محمدعلی کیهانی

تهیه شده در:

انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد
دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
تاریخ انتشار: ۷ اردیبهشت

خواب دیدم قبرتان آخر طلایی
می شود
بُغض مانده در گلو عُقده گشایی
می شود
دور قبر پاکتان با دست عُشاق
حسن
خشت‌ها بر روی هم، بر پا بنایی
می شود
گنبد و گلدسته و ایوان زیبای
بقیع
عاقبت یک صبح زیبا روغمایی
می شود
این دل پُر درد من با یاد ارباب
کریم
در میان صحن مشغول گدایی
می شود



اوج غربت می‌شود معنای شب‌های بقیع

 <http://quranicsociety.blog.ir>

 mashhadanjomanelmi@gmail.com

 @anjomanelmiquran110